

فلسفه اخلاق در قرن حاضر

تألیف
ج. وارنوک



ترجمه و تعلیقات
صادق ا. لاریجانی

فهرست

۹	مقدمه مترجم چاپ دوم
	مقدمه مترجم چاپ اول
۱	مقدمه
۶	شهود گرایی:
۶	الف- جی. ای. مور
۱۳	ب- پریکارد و راس
۱۷	ج- بررسی شهود گرایی
۲۴	احساس گرایی:
۲۴	الف- بعضی صور اولیه
۲۸	ب- سی. ال. ستیونسن: اعتقادات، جهتگیر یها، «معنای احساسی»
۳۲	ج- اشتباهات احساس گرایی
۳۹	هدایت گرایی:
۳۹	الف- هدایت در مقابل تأثیر
۴۱	ب- گفتار اخلاقی به عنوان «هدایت گر»
۴۴	ج- دو صورت از «هدایت گرایی»
۵۱	د- گفتارهای اخلاقی و عمل
۵۵	ه- بحث در اخلاقیات
۶۳	محتوای اخلاقیات:
۶۳	الف- عمل و اصول
۶۸	ب- «اخلاقی» یعنی چه؟

ج- آیا اخلاق «محتوایی» دارد؟

طبیعت گرایی:

الف- تر ضد طبیعت گرایی

ب- این تر مستلزم چه هست و مستلزم چه نیست؟

ج- نکته ای پایانی در مورد بحثهای اخلاقی

نگرشی به آینده

یادداشتها

تعلیقات مترجم راجع به:

۱- لفظ locution

۲- حقایق اخلاقی

۳- لفظ intuition

۴- روش پرسشهای گشوده و ناگشوده مور

۵- متعلق صحت و خوبی

۶- متعلق طلب و الزام

۷- وابستگی صفت خوبی و صحت به دیگر اوصاف شیء

۸- عدم ورود اشکال مصنف به مور

۹- بداهت و شهود اخلاقی

۱۰- ادعای پوزیتیویسم در مورد قضایای معنی دار

۱۱- ابتناء تجربه بر بداهت و شهود

۱۲- دفع اشکال بر احساس گرایی

۱۳- مفهوم باید و وجوب و نیز راجع به صدق و کذب قضایای اخلاقی:

بحثی در مورد اعتباریات

۱۴- اخباری بودن قضایای اخلاقی

۱۵- رابطه اعتقاد با عمل

۱۶- کلیت ناپذیری اوامر

۱۷- خلاصه اشکال مؤلف به توجیه اول هدایت گرایی

۱۸- خلاصه اشکال مؤلف به توجیه دوم هدایت گرایی

۱۹- تصمیم گیری در مورد اخلاقیات

فهرست

۱۷۴	۲۰- عدم ورود اشکال مؤلف بر هیر
۱۷۵	۲۱- سودپرستی انسان
۱۷۵	۲۲- مفهوم «اخلاقی»
۱۷۶	۲۳- اعتراف مؤلف به بداهت بعضی امور ارزشی
۱۷۷	۲۴- بحثی تطبیقی در باره مغالطه طبیعت گرایانه
۲۱۴	۲۵- توضیحی در مورد اشکال مؤلف به مور
۲۱۴	۲۶- توضیحی در مورد عقلانی بودن خواستها
۲۱۴	۲۷- اشکالی به مؤلف در مورد عدم دلیل در اخلاقیات
۲۱۴	۲۸- اشکالی به مؤلف در مورد طبیعت گرایی
۲۱۷	فهرست نامهای کسان
۲۱۹	فهرست نامهای کتابها

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب حاضر با اینکه کتابی مقدماتی در فلسفه اخلاق بشمار می‌رود و مخصوصاً با همه کاستیهای ترجمه، خوشبختانه مورد عنایت دانش پژوهان و محققین قرار گرفت و بعضی هم مستقیماً و غیرمستقیم این حقیر را مورد تفقد خویش قرار داده‌اند که همینجا از مراحم همه آنان تشکر می‌کنم. از آنجا که مدتی است نسخ طبع اول کتاب نایاب است، با پیشنهاد مسئولین محترم مرکز ترجمه و نشر کتاب تصمیم به طبع مجدد آن گرفته شد. ابتدا در نظر داشتم در ترجمه و تعلیقات اصلاحاتی بعمل آورم و مخصوصاً به تعلیقات مطالبی افزوده شود و بعضی تعلیقات مبسوطتر به تحریر درآید و لکن از آنجا که مدتی است بطور مستقل به بحث و تحریر مباحث فلسفه اخلاق پرداخته‌ام از آن تصمیم بهر روی منصرف شده و بیان مطالب را موکول به مصنفی نمودم که هم اکنون به تحریر آن اشتغال دارم و لذا کتاب حاضر بدون هیچ گونه تغییری - بجز غلطنامه افزوده شده در پایان کتاب - به طبع دوم می‌رسد که امیدوارم به همین صورت هم از فایده خالی نباشد. از مسئولین محترم مرکز ترجمه و نشر کتاب که زحمات طبع مجدد کتاب را تقبل نموده‌اند کمال تشکر و امتنان را دارم. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

صادق لاریجانی

۶۸/۴/۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

کتاب حاضر همان طور که از عنوانش پیداست، مربوط به فلسفه اخلاق آن هم دوره خاصی از سیرتطور آن می شود. نام اصلی کتاب *Contemporary Moral Philosophy* است. مؤلف در این کتاب چند نظریه مشهور را که در قرن حاضر تأسیس شده اند و یا اینکه نضج یافته اند مورد بحث قرار داده است. مطالبی که در این کتاب مطرح شده، در عین اینکه بسیار سهل است و به هیچ عنوان مشابهتی با آراء فتنی علمای خودمان در شرق ندارد، می توان گفت حاوی لب مطالبی است که مؤسسين نظریه های مذکور بیان نموده اند. البته واضح است که کتاب یا رساله ای به این اختصار نمی تواند حاوی همه مطالبی باشد که آن فلاسفه در حول و حوش نظریات خود ابزار داشته اند. ولکن همان طور که گفتیم نکات اساسی هر یک از نظریه های مزبور به حد کافی مورد بحث واقع شده اند.

مترجم، کتاب حاضر را در بیان و تقریب مطالب مطمئن یافت و لهذا برای پژوهندگان که قصد مطالعه کتب اصلی خود مؤسسين این نظریه ها را دارند، بسیار مناسب است.

تا آنجا که مترجم این رساله مطلع است، بسیاری از مطالب مطروحه در این رساله و بلکه در کل فلسفه اخلاق رایج در غرب، توسط متفکران اسلامی مورد بحث و تدقیق قرار گرفته، و همان طور که گفتیم موشکافیهای این بزرگان بسیار عمیقتر از مطالبی است که فلاسفه اخلاق غرب بیان داشته اند و یا لا اقل — تا آنجا که راقم این سطور اطلاع دارد — این گفته نسبت به نظریات فلاسفه پیشروی مانند مور، راسل، هیر، پریکارد و غیره صادق است. منتها متفکران ما در شرق معمولاً

باب جداگانه‌ای در فلسفه اخلاق باز نکرده‌اند؛ قسمتی از مطالب را در فلسفه، قسمتی را در اخلاق (نه فلسفه اخلاق)، قسمت بیشتری را در علم کلام و از همه مهمتر و اساسی‌تر در فن اصول مورد تحقیق قرار داده‌اند. اصولیون شاید در این میدان گوی سبقت را از دیگران ر بوده باشند. مخصوصاً متأخران از اصولیون مطالب بسیاری را به صورت پراکنده در مواضع مختلف تحقیق نموده‌اند، و از آنجائی که این مطالب برای غرض دیگری طرح شده‌اند، بسیار پراکنده و شاید باهم هماهنگ نباشند.

مترجم نمونه‌وار دو سه مطلب را به طور مختصر در تعلیقاتی که خود بر ترجمه افزوده، مطرح نموده است. در این تعلیقات بعضی از اقوال بزرگان اصولی و غیره را مطرح نموده‌ایم، و آنچه را هم که به ذهن قاصرمان رسیده بود بیان داشته‌ایم. منتها باید توجه داشت که غرض ما صرفاً بیان چند نمونه بوده است و الا استقصای اقوال مهم و نیز استقصای مسائل مطروحه در علم اصول که با فلسفه اخلاق مرتبط است، از حوصله تعلیقات کتابی آن هم به این اختصار خارج است. در همین چند مسئله‌ای هم که مطرح نموده‌ایم، فرصت و فضای کافی برای بررسی تمام جوانب آنها میسر نبوده است. به عنوان مثال در تعلیقه شماره ۱۵ که بحث از ارتباط عقیده و عمل شده، بسیار مناسب بود که متعرض کلمات حکما و محققین از متکلمین در باب تمیز قوا و فواعل نفسانی می شدیم، و همین طور در تعلیقه شماره ۴ شایسته بود اشکال دوری را که در باب «تبادر» از مباحث علم اصول مذکور است، مطرح می نمودیم، و همین طور در بعضی تعلیقات دیگر. ولکن طرح دقیق این مباحث و نقد آنها یقیناً حجم تعلیقات را بسیار زیادتر از آنچه هست می ساخت. بنابراین نگارنده ترجیح داد که این تعلیقات با همین وضع موجود، منتشر گردد، به امید آنکه اگر توفیقی در آینده نصیب شد، این مباحث را به نحو مبسوط و جامعی مستقلاً منتشر سازد.

در مورد نفس ترجمه هم تذکر این نکته ضرور است که در بعضی موارد به جهت فقد اصطلاحات و معادلات فارسی، چاره‌ای جز وضع و ابداع بعضی اصطلاحات نبود. به عنوان مثال کلمه prescriptive را در فارسی به دستوری و تجویزی ترجمه نموده‌اند، و شاید در مواضع بسیاری هم این ترجمه صحیح باشد، ولکن در کتابی که هم اکنون در دست خوانندگان قرار دارد، این کلمه به معنایی به کار رفته که درست مقابل لفظ «دستور» است، لذا ما با توجه به معنای مورد

نظر نویسنده کتاب آنرا به «هدایت گر» و prescriptivism را به «هدایت گرایی» ترجمه نمودیم. فرق بین «هدایت و دستور» (لا اقل از نظر نویسنده کتاب) در خود کتاب در فصول مربوطه واضح خواهد شد.

مترجم که به بضاعت مزجاة خود معترف است، امید دارد خوانندگان و اندیشمندانی که این کتاب را ملاحظه می کنند به عین لطف و انصاف و اغماض در آن بنگرند و اگر به خطایی در ترجمه یا تعلیقات برخوردارند توسط ناشر محترم، راقم این سطور را در تصحیح و اصلاح یاری فرمایند و ما را مرهون الطاف خود قرار دهند.

در پایان باید نسبت به زحمات آقای اسماعیل سعادت که ویراستاری ترجمه را به عهده گرفتند و نیز نسبت به الطاف ناشر محترم که زحمت طبع و انتشار این ترجمه و تعلیقِ حقیر را بر خود هموار ساختند، کمال تشکر و قدردانی خود را ابراز دارم.

من الله التوفیق و علیه التکلان

قم، ۱۷ ربیع الثانی ۱۴۰۳

بهمن ۱۳۶۱

مقدمه

مقصود این رساله بررسی جامع و مختصری است از فلسفه اخلاق در آثار انگلیسی، تقریباً از اوائل قرن حاضر. خوشبختانه داستانی که باید حکایت کرد از لحاظ طرح کلی چندان پیچیده نیست، داستانی است با توالی کاملاً روشنی از یک رشته حوادث مشخص. برای نیل به این مقصود باید از سه مرحله اساسی گذشت. اول: شهودگرایی^۱ است و ما آن را آن چنان که مور^۲ (اصول اخلاق^۳، ۱۹۰۳) و پریکارد^۴ (الزامات اخلاقی^۵ که بعد از فوتش در ۱۹۴۹ چاپ شد) و راس^۶ (عمل صحیح و شیء خوب^۷، ۱۹۳۰ و مبانی اخلاق^۸، ۱۹۳۹) ارائه کرده اند مورد بحث قرار می دهیم. دوم: احساس گرایی^۹ که تا حدی واکنش تندی بوده است در مقابل کمبودهای مسلم مسلک اول. در این مسلک نماینده اصلی ستیونس^{۱۰} (اخلاق و زبان^{۱۱}، ۱۹۴۴) است. سوم: مسلکی را مورد بحث قرار می دهیم که تقریباً اصلاح شده مسلک احساس گرایی است و نسبت بدان از تکامل بیشتری برخوردار است. این مسلک را می توان به نام هدایت گرایی^{۱۲} خواند— چنان که غالباً نیز بدین نام خوانده می شود— که موثرترین و اصلی ترین و صریحترین بیانگر آن هیر^{۱۳} است (زبان

-
- | | | | |
|--------------------------|--------------------|---------------------------|------------------|
| 1. Intuitionism | 2. G.E. Moore | 3. Principia Ethica | 4. H.A. Prichard |
| 5. Moral Obligation | 6. W.D. Ross | 7. The Right and The Good | |
| 8. Foundations of Ethics | 9. Emotivism | 10. C.L. Stevenson | |
| 11. Ethics and Language | 12. Prescriptivism | 13. R.M. Hare | |

اخلاقیات!^{۱۴} ۱۹۵۲ و آزادی و عقل!^{۱۵} ۱۹۶۳). البته دیگر نویسندگان و دیگر آثار در محل خود ذکر خواهند شد ولیکن طرح اصلی به وسیله همین سه مسلک و مدافعین اصلی آنها مشخص و معین می گردد.

در صفحات آتی خواننده خواهد دید که بحثهای انتقادی من از این سه مسلک اساسی، که به بررسی آنها پرداخته‌ام، (متأسفانه) تقریباً همه جا مخالفت آمیز و تند است؛ و در طی صفحات بعد مطالب بحث انگیزی مطرح ساخته‌ام که شاید عادتاً بیش از حدی باشد که از یک بررسی شرح گونه غیرانتقادی انتظار می رود. اما من از این طرز برخورد به لحاظ اینکه ناشی از نفس طبیعت مسأله مورد بحث است در صورت لزوم دفاع خواهم کرد. زیرا معتقدم قضیه این است که تمام این سیستمهای جا افتاده فلسفه اخلاق در آثار انگلیسی که به توالی در قرن حاضر به منصفه ظهور رسیده‌اند— صرف نظر از مهارت تحسین انگیز صاحبان آنها— یکسره بی فائده بوده‌اند. بعضی مسائل مربوط به طبیعت و بنیان قضایای اخلاقی که حداقل سابقاً از مسائل اساسی و مهم به شمار می آمده‌اند نه فقط در نظریه‌های اخیر مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، بلکه به نظر می رسد این نظریه‌ها آشکارا بر آنند که در مورد این مسائل اصلاً مطلب گفتنی مفیدی وجود ندارد. ظاهراً دامنه بحثهای اخلاقی، به نحوی غیر عادی به اختصار و اقتصار به بعضی اجزاء کشانده شده است؛ فلسفه اخلاق به شکلی درآمده— که اگرچه ساده نیست— لکن عقیم و تهی و بی ثمر جلوه می نماید. اما من گمان می کنم موضوع اخلاق ضرورتاً برخلاف آنچه فرا نموده‌اند چندان مرده و بی روح نیست؛ و اگر بناست در آینده جایی برای دمیدن روحی جدید به وجود آید، لازم است که از هم اکنون این سیستمهای جا افتاده اخیر بشدت— و امیدوارم نه به شکل جاهلانه— مورد بحث و تأمل قرار گیرند. این امر ممکن است— و شاید هم مفید باشد— که از قبل صورتی مختصر و اجمالی از خط سیری را که به نظر من این امور بخطا پیموده‌اند ترسیم نمایم. اولاً شهودگرایی با اعتقاد به اینکه موضوع سراسر بدیهی و غیرقابل بحث است، فلسفه اخلاق را از تمام محتوای خویش تهی کرد. گفتند که

14. The Language of Morals 15. Freedom and Reason